تناقض‌ناگرایی بین لایتناهی بودن خداوند و قید زدن او به لایتناهی

علی أی‌ّحال، اینکه بگویی‌م خداوند متعال غیر متناهی است، تعبیر ناقصی است. آن روز هم عرض کردم که در آخرین مقاله‌ی اصول فلسفه، به این اشاره می‌کنند. می‌گویند اینکه می‌گویی‌م خدای متعال غیر متناهی است، دقیق نیست. بالاتر است. به بیان دیگر؛ شاید عبارت این بود؛ همه‌ی این‌ها متخذ از روایات است. هر چه بحث‌ها جلو می‌رود، زوایای روایات خودش را نشان می‌دهد. شاید تعبیر اصول فلسفه این بود. من از حافظه‌ی بیست سال پیش یا بیشتر نقل می‌کنم؛ تعبیر این بود: اینکه ما می‌گویی‌م ذات خداوند غیر متناهی است، حرف نهایی نیست. چرا؟؛ به‌خاطر اینکه همین که می‌گویی‌م غیر متناهی است، خود غیر متناهی بودن، یک جور حدّ است. ظاهراً این را گفته بودند. غیر متناهی بودن، یک جور حدّ است، یعنی چه؟؛ خُب، داری‌م می‌گویی‌م حدّ نیست، شما می‌گویی‌د حدّ هست؟! «اللّه اکبر من کل شیء»، فرمودند «حدّته». اما من دارم می‌گویم بزرگ‌تر از هر چیزی است. از کجا من او را محدود کردم؟! در اینجا بیان مختصری را عرض می‌کنم.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژوئیه 2024 13:57:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژوئیه 2024 13:57:37 توسط ... .